

ارکان دولت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (حفظه...)

محسن کشاورز^۱

حسین عرب اسدی^۲

چکیده

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی به عنوان نقشه کلان حرکت انقلاب، برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری و در دیدار کارگزاران نظام با ایشان در سال ۱۳۷۹ مطرح گردید. مبتنی بر این نقشه راه، انقلاب اسلامی با عبور موفق از گام انقلاب و نظام سازی، در حال حاضر در مرحله دولت سازی قرار داشته و تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی به عنوان اهداف نهایی انقلاب اسلامی نیازمند ایجاد زیرساختی به نام دولت اسلامی است. بر این اساس می توان مدعی بود که ابرمساله گام دوم انقلاب اسلامی که شناسایی و حل مسائل نظام حکمرانی بایستی در پرتو آن تنظیم و تکمیل گردد، طراحی و پیاده سازی دولت اسلامی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون و بر پایه تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در زمینه فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی اقدام به استخراج ارکان دولت سازی و کشف کلیدی ترین وجوه مفهوم دولت اسلامی نموده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که در منظومه فکری معظم له، دولت سازی اسلامی به معنای اسلامیت سه رکن نهادها، نظامات و کارگزاران است و بر پایه این عناصر می توان به تعریفی استنتاجی از دیدگاه ایشان در زمینه دولت اسلامی دست یافت.

کلیدواژگان:

منظومه فکری مقام معظم رهبری، دولت اسلامی، فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، تحلیل مضمون

^۱ دکتری اقتصاد

^۲ دکتری مدیریت، معاون سازمان اداری و امور استخدامی

مقدمه

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ابتکارات نظری مقام معظم رهبری، کلان ترین و راهبردی ترین سند حکمرانی کشور است که بایستی فراتر از هر سند سیاستی دیگری مورد توجه مسئولین و کارشناسان قرار گیرد. فرایند پنج مرحله مذکور، به عنوان نقشه راه راهبردی نظام جمهوری اسلامی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی محسوب شده و می تواند تصویر روشنی از نقطه تمرکز انقلاب اسلامی در هر مقطع زمانی ارائه دهد.

بر اساس بیان مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی دو مرحله انقلاب و نظام سازی را پشت سر گذاشته و اکنون در مرحله دولت سازی اسلامی قرار دارد؛ و در صورتی که بتواند با موفقیت از این مرحله عبور کند، زمینه های لازم برای ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی فراهم می گردد. از این زاویه، نیروهای اجتماعی در بدنه جامعه و مسئولین و زمامداران کشور بایستی متمرکز بر نظریه دولت اسلامی بوده و نظام حکمرانی را مبتنی بر این ایده، پیش برده و در صورت لزوم، بازطراحی نمایند.

آنچه بیش و پیش از هر اقدام و عملی برای دولت سازی اسلامی مهم است، استخراج ارکان اصلی دولت اسلامی است؛ به عبارت دیگر، وقتی از دولت اسلامی سخن گفته می شود، دقیقاً در مورد چه مفهوم ذهنی یا ساخت عینی صحبت می شود؟ بی شک فقدان تعریف واحد از دولت اسلامی که آن هم متکی بر ارکان و ابعاد اصلی مقوله دولت و اسلام، نه تنها نمی تواند وفاق جمعی بین نیروهای فعال کشور ایجاد نماید، بلکه تشتت و افتراق نظر در این مقوله راهبردی زمینه ساز هدر رفت منابع و آزمون و خطاهای بسیار خواهد شد. علاوه بر این، بدست آوردن ارکان اصلی دولت اسلامی از منبعی غیر از مرجع تبیین کننده آن نیز می تواند آفت دیگری باشد که در صورت عدم رجوع به بیانات مقام معظم رهبری می تواند شکاف های نظری عمیقی را در گفتمان دولت اسلامی ایجاد نماید.

بر این اساس، پژوهش حاضر با تحلیل بیانات محوری مقام معظم رهبری در زمینه فرایند انقلاب اسلامی و تمرکز بر مباحث ایشان در زمینه دولت اسلامی، به استخراج ارکان اصلی دولت سازی اسلامی می پردازد. هدف اصلی از این پژوهش پاسخ به این پرسش محوری است که سازه دولت اسلامی مبتنی بر چه ارکان کلیدی است؟ به عبارت دیگر، نگارندگان به دنبال استخراج اصلی ترین مولفه های بنیادین دولت

اسلامی از بیانات مقام معظم رهبری بوده تا تصویر روشنی از اسلامی سازی دولت در اندیشه معظم له بدست آید.

بدین منظور، پژوهش پیش رو در پنج بخش اصلی سازماندهی شده است. در بخش اول، مروری گذرا بر ایده فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی صورت گرفته و ضمن تبیین مختصر تاریخچه پردازیش این مفهوم، تعاریف اجمالی از هر یک از مراحل پنجگانه انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری ارائه می گردد. در بخش دوم، روش تحقیق تحلیل مضمون به عنوان روش بکاررفته در این پژوهش معرفی گشته و در بخش سوم، نتایج حاصل از تحلیل مضمون بیانات محوری مقام معظم رهبری در مورد فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی ارائه می گردد. در بخش چهارم، تجزیه و تحلیلی از روایت مقام معظم رهبری در مورد ارکان دولت اسلامی ارائه شده و در بخش پنجم نیز به صورت خلاصه، نتیجه پژوهش و دلالت های ضمنی آن تبیین می گردد.

مبانی نظری

بحث از فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی برای اولین بار از جانب مقام معظم رهبری (حفظه ...) در دیدار کارگزاران نظام با ایشان در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ مطرح گردید. پس از طرح این موضوع، معظم له در سخنرانی های دیگری نیز به واکاوی ابعاد اصلی این فرایند پرداخته و نکات تکمیلی و تبیینی عالمانه از این بحث ارائه دادند. سخنرانی های ایشان در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۱ در دیدار کارگزاران نظام، در ۸۳/۸/۶ در دیدار کارگزاران نظام، در ۸۴/۸/۲۵ در خطبه های نماز جمعه، در ۸۴/۶/۸ در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت و در ۹۰/۷/۲۴ در دیدار دانشجویان کرمانشاه جزو محوری تری جلساتی است که می توان سرنخ های جدی را در زمینه اجزای سازنده دولت اسلامی کشف نمود. مقام معظم رهبری فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را دارای پنج مرحله اصلی می دانند. بر این اساس ایشان در تاریخ ۹۰/۷/۲۴ فرمودند :

من يك نکته‌ای را در اینجا عرض بکنم. يك زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی

است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این يك زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.

ایشان در تاریخ ۷۹/۹/۱۲ بیان می‌دارند که ما در بهمن ۵۷ از مرحله انقلاب اسلامی به سلامت عبور کردیم و توانستیم دگرگونی بنیادینی را در کشور ایجاد نماییم :

ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این يك فرایند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زدوخورد و شلوغ کاری و امثال این‌ها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال این‌ها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهنیت‌عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است.

در ادامه بیانات، ایشان ایجاد نظام اسلامی به عنوان طرح و مهندسی کلی را به عنوان یکی دیگر از مراحل انقلاب اسلامی معرفی کرده و می‌فرمایند :

انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی

جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدای می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی.

بنا به تصریح مقام معظم رهبری در تاریخ ۹۶/۶/۶، علیرغم وقوع انقلاب اسلامی و طراحی نظام بر پایه منابع دینی و اسلامی، اما دولت اسلامی محقق نشده و از آنجا که دولت اسلامی زیرساخت اساسی برای شکل‌گیری جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است، زمینه‌سازی برای تحقق آن جزو مهم‌ترین مباحث حال حاضر کشور محسوب می‌گردد:

از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی اش مانده‌ایم؛ بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه‌ی اسلامی است؛ ما این مراحل را در پیش داریم. ما توانستیم یک انقلاب اسلامی - یعنی یک حرکت انقلابی - به وجود بیاوریم؛ [بعد] توانستیم بر اساس آن، یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم؛ خیلی خوب، تا اینجا توفیق حاصل شده که خوب خیلی هم مهم است؛ لکن بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است؛ یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی برای کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛ ابداً؛ داریم پیش می‌رویم؛ با همه‌ی مخالفتها، با همه‌ی کارشکنی‌ها، با همه‌ی دهن‌کجی‌هایی که میشود، حرکت می‌کنیم و داریم پیش می‌رویم بلاشک. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد؛ هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم. بعد که دولت اسلامی به وجود آمد، آن وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه‌ی اسلامی است.

مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۰/۹/۲۱ و در ادامه مراحل انقلاب، نظام و دولت اسلامی، مرحله جامعه اسلامی را به عنوان تلالو نظام اسلامی در جامعه و امت یا دنیای اسلامی را به عنوان الگو و اسوه زیست مسلمانان در جهان مطرح کرده و آنها را به عنوان پیامد دولت‌سازی اسلامی معرفی می‌نمایند:

پس تشکیل دولت اسلامی، مرحله‌ی سوم است. بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لتكونوا شهداء على الناس». اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود. نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود بپردازیم.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود و از نظر راهبرد تحقیق، جزو پژوهش‌های کیفی دسته‌بندی می‌گردد. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل مضمون است. روش تجزیه و تحلیل موضوعی یک روش تفسیری برای تحقیقات کیفی است که بر اساس طبقه‌بندی داده‌ها به مضامین خاص و با هدف درک پیچیدگی‌های یک مساله مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (Lehman&other,2019:4). این روش یک رویکرد کاملاً انعطاف‌پذیر را ارائه می‌دهد که می‌تواند مطالعه داده‌های مفصل و در عین حال پیچیده را ممکن سازد (Nowell,2017:2). منظور از مضمون در تحلیل‌های تماتیک کدهایی است که دارای یک مرجع مشترک بوده و از درجه کلی بالایی برخوردار است به گونه‌ای که ایده‌ها را حول موضوع تحقیق منسجم می‌سازد (Vaismoradi,2016:101). این کدها به عنوان برجسب‌هایی هستند که برای بخش‌هایی از داده‌ها اعمال می‌شوند که با سؤالات تحقیق مرتبط هستند. کدها، ساختمان‌های تجزیه و تحلیل هستند؛ اگر تحلیل را به مثابه یک خانه آجری با سقف کاشی بدانیم، مضامین، دیوارها و سقف و کدها، آجرها و کاشی‌های مجزا است (Clarke&Braun,2012:61).

این روش، الگویی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی را ارائه می دهد. در این روش، داده های متنی تحلیل شده و داده های پراکنده و متنوع به داده های غنی و تفصیلی تبدیل می گردند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون را باید روش ویژه ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف پذیری است. برخلاف برخی روش های کیفی، تحلیل مضمون به چارچوی نظری از پیش تعیین شده ای وابسته نیست و از این روش می توان در چارچوب های نظری متفاوت و برای امور مختلف، هم برای بیان و هم برای تبیین واقعیت استفاده کرد (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۳). این روش به شناسایی و تحلیل الگوهای معنایی یک موضوع اختصاص داشته و ابزاری کاربردی برای تحقیقات اکتشافی است. به طور کلی روش تحلیل مضمون سنگ بنای روش های تجزیه و تحلیل کیفی محسوب می شود (Herzog, 2019:1). هدف از تجزیه و تحلیل مضمون، شناسایی الگوهای موجود در داده ها و استفاده از آنها در پاسخ به پرسشی از چستی یک موضوع است. لذا تحلیل مضمون چیزی بیشتر از خلاصه کردن داده ها بوده و قوت آن منوط به ارائه یک تفسیر معنا بخش و جدید از مساله است. یکی از روش های پرکاربرد در تحلیل مضمون استفاده از الگوی شبکه مضامین است که آتراید-استرلینگ (۲۰۰۱) توسعه داده اند. آنچه شبکه مضامین عرضه می کند، نقشه ای شبیه تارنمای به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین بدست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام مند می کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می شود. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). آنچه شبکه مضامین ارائه می کند یک شبکه وب مانند به عنوان یک الگوی سازمان دهنده است و رویه های مشخصی نیز برای رسیدن از متن به تفسیر فراهم می سازد. لذا روش تحلیل مضامین یک روش مکمل برای ابزارهای موجود در تحلیل کیفی است (Atride&strling, 2001:95).

در این پژوهش مطابق با الگوی عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) فرایند تحلیل مضمون در سه مرحله اصلی و شش گام فرعی به شرح زیر صورت می گیرد:

مرحله اول: تجزیه و توصیف متن

گام اول: آشنا شدن با متن

گام دوم: کدگذاری اولیه

گام سوم: جست و جو و شناخت مضامین

مرحله دوم: تشریح و تفسیر متن

گام چهارم: ترسیم شبکه مضامین

گام پنجم: تحلیل شبکه مضامین

مرحله سوم: ترکیب و ادغام

گام ششم: تدوین گزارش (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

برای گردآوری داده ها مبتنی بر روش تحلیل مضمون، پژوهشگران با غوطه وری در بیانات مقام معظم رهبری هر سه گام تجزیه و تحلیل، تشریح و تفسیر، و ادغام و ترکیب متن را انجام داده و به مسائل فراگیر، سازمان دهنده و پایه رسیده و در نهایت به صورت پنل خبرگانی، داده ها را اعتباربخشی کرده و شبکه مضامین ارکان دولت اسلامی را کامل نمودند.

بحث از فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی برای اولین بار از جانب مقام معظم رهبری (حفظه ...) در دیدار کارگزاران نظام با ایشان در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ مطرح گردید. پس از طرح این موضوع، معظم له در سخنرانی های دیگری نیز به واکاوی ابعاد اصلی این فرایند پرداخته و نکات تکمیلی و تبیینی عالمانه از این بحث ارائه دادند. سخنرانی های ایشان در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۱ در دیدار کارگزاران نظام، در ۸۳/۸/۶ در دیدار کارگزاران نظام، در ۸۴/۸/۲۵ در خطبه های نماز جمعه، در ۸۴/۶/۸ در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت و در ۹۰/۷/۲۴ در دیدار دانشجویان کرمانشاه جزو محوری تری جلساتی است که می توان سرنخ های جدی را در زمینه اجزای سازنده دولت اسلامی کشف نمود. بر این اساس، محوریت اصلی در مقاله حاضر، تحلیل محتوای این شش سخنرانی بوده و تلاش می شود تا در پایان و با جمع بندی این محورها، مدل مفهومی اجزای سازنده دولت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری طراحی گردد.

یافته‌های تحقیق

جهت تحلیل مضمون، کل محتوای شش سخنرانی محوری مقام معظم رهبری از منظر احصای ارکان دولت اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و مضامین پایه استخراج شده به همراه ارجاعات متن بیانات در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱: استخراج مضامین پایه دولت اسلامی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در مورد فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

ردیف	متن بیانیه	مضمون پایه
۱	بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان روش و منش افرادی اگر هستند سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال اسلامی دولتمردان در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه (۷۹/۹/۱۲).	روش و منش اسلامی دولتمردان
۲	نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسان‌تر است؛ چون نسخه‌ی کامل را در اختیار دارند و در همه چیزش هدایت هست. وقتی آدمی مثل من در رأس کار باشد، البته کار کارگزاران مشکل‌تر است؛ ولی ثوابشان هم	تربیت اسلامی کارگزاران

بیشتر است. اگر توانستند در این راه حرکت کنند، اجر الهی شان بیشتر خواهد شد. هرکدام از شما تلاش کنید که برای این مسئولیتها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتتان نسبت به حال مردم، رعایتتان نسبت به شرع، رعایتتان نسبت به بیت المال، اجتنابتان از خودخواهی ها و خودپرستی ها و رفیق بازی ها و قوم و خویش پرستی ها و اجتنابتان از تنبلی و بیکارگی و بی عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هرکدام از شما بتوانید در این زمینه ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام این کار را می کرد، یقیناً بیشتر است؛ چون او به امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام نگاه می کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ی ما هست و امروز همه مان وظیفه داریم (۷۹/۹/۱۲).

قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما آینه ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روز به روز بهتر کنیم. هرکس هم که جدیداً مسئولیت را بر عهده می گیرد، با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که می خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. باید به معنای خودسازی واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل تر از مراحل قبلی است. ما مسئولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آن وقت می شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقتنه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با این قالبها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله ی سوم است؛ ما الآن در این

مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده‌ی مجلسیم، اگر عضو دولتیم، اگر از مسئولان قضائی هستیم، اگر روحانی هستیم، هرکجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم. دوره‌ی پیش از انقلاب گذشت که بعضی کسان فقط به خود می‌پرداختند. ما آن وقت به آن‌ها ایراد می‌گرفتیم که به فکر جامعه و مردم هم باشید (۸۰/۹/۲۱).

ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما- یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، که مجموع این‌ها دولت اسلامی است- سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی سبک زندگی علوی- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروائی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت این‌ها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم‌به‌قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته

دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد (۸۳/۸/۶).

دولت اسلامی شامل همه‌ی کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه‌ی مجریه؛ یعنی حکومتگران و خدمتگزاران عمومی. اینها باید جهتگیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهتگیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و بسرعت به سمت آن جهتگیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی. از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه، تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقبگرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ی موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پیمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دلبسته‌ی به رفتارهای طاغوتی شدیم. اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ و الاّ قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه‌ی ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. قبل از انقلاب، در جایی دولتی تشکیل شد که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم جمهوری اسلامی امریکایی فلان جا! آن دولت با نام جمهوری اسلامی هم بود. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. (۸۴/۶/۸).

از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم؛ بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه‌ی اسلامی است؛ ما این مراحل را در پیش داریم. ما توانستیم یک انقلاب اسلامی - یعنی یک حرکت انقلابی - به وجود بیاوریم؛ [بعد] توانستیم بر اساس آن، یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم؛ خیلی خوب، تا اینجا توفیق حاصل شده که خوب خیلی هم مهم است؛

تطبیق رفتارهای
کارگزاران
با معیارهای اسلامی

تشکیلات مدیریتی
اسلامی

لکن بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است؛ یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی برای کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛ ابداً؛ داریم پیش میرویم؛ با همه‌ی مخالفتها، با همه‌ی کارشکنی‌ها، با همه‌ی دهن‌کجی‌هایی که میشود، حرکت میکنیم و داریم پیش میرویم بلاشک. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد؛ هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم. بعد که دولت اسلامی به وجود آمد، آن وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه‌ی اسلامی است. خب، بنابراین باید مبارزه کرد عزیزان من (۹۶/۶/۶).

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور. بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد (۹۰/۷/۲۴).

برای این که آن مقصود - یعنی کشور اسلامی - به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه‌ی کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند؛ که من چند سال قبل عرض کردم که مرحله‌ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسؤولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور بالیامانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند؛ اما دولت اسلامی ایی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها

دولت
نهادهای
اسلامی

۷

شیوه اسلامی عمل
دستگاه حاکمه

۸

داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه، همه‌ی اینها وجود دارد. نگویند اینها مربوط به هزار و چهارصد سال قبل است. این حرفهای تکراری و شبهه‌های صدها بار رد شده را بعضی‌ها باز تکرار می‌کنند. حقایق بشری و اصالت‌های بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند (۸۴/۵/۲۸).

نیازهای مادی مردم با نیازهای معنوی مردم، باید با هم دیده شود؛ یعنی دولت اسلامی فقط به شکم و مسکن و آسایش و آرامش ظاهری زندگی مردم اکتفا نمی‌کند؛ به اخلاق آنها، به دین آنها، به صراط مستقیمی که جوانهای آنها باید بروند، به آموزش و پرورش آنها، به رشد علمی آنها، به رشد دینی و ایجاد بسترهای تقوایی آنها هم اهمیت می‌دهد. این جور نیست که ما بگوئیم آن دیگر کار توسعه اخلاق فاضله دولت نیست؛ نه، دولت باید بسترهای لازم را برای سریان و جریان اندیشه‌ی درست و اخلاق فاضله در کشور به وجود بیاورد. این خود در عین اینکه یک کار فرهنگی است، یک کار سیاسی هم هست (۸۶/۴/۹).

بعد از کدگذاری مرحله اول و احصای ۹ مضمون پایه متمایز، ۳ مضمون سازمان دهنده به شرح زیر استخراج گردید :

جدول ۲: استخراج مضامین سازمان دهنده دولت اسلامی از مضامین پایه

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
۱	روش و منش اسلامی دولتمردان	کارگزاران اسلامی
۲	تربیت اسلامی کارگزاران	

۳	خودسازی مسئولین
۴	سبک زندگی اسلامی دولتمردان
۵	تطبیق رفتارهای کارگزاران با معیارهای اسلامی
۶	تشکیلات مدیریتی اسلامی
۷	نهادهای دولت اسلامی
۸	شیوه اسلامی عمل دستگاه حاکمه
۹	ایجاد بسترهای توسعه اخلاق فاضله

در جدول زیر ۳ مضمون عالی مستخرج از مضامین سازمان دهنده ارائه شده است :

جدول ۳: استخراج مضامین عالی دولت اسلامی از مضامین عالی

ردیف	مضامین سازمان دهنده	مضمون عالی
۱	کارگزاران اسلامی	بعد انسان افزار دولت اسلامی
۲	نهادهای اسلامی	بعد سخت افزار دولت اسلامی
۳	نظامات اسلامی	بعد نرم افزار دولت اسلامی

بر اساس نتایج بدست آمده می توان تعریف استنتاجی دولت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری را بر پایه ارکان اصلی دولت اسلامی به صورت زیر ارائه نمود :

تشکیلاتی برای اداره کشور است که دارای سه بعد انسان افزار، نرم افزار و سخت افزار بوده و شکل و محتوای اسلام در سه رکن کارگزاران، نهادها و نظامات آن تجلی می یابد.

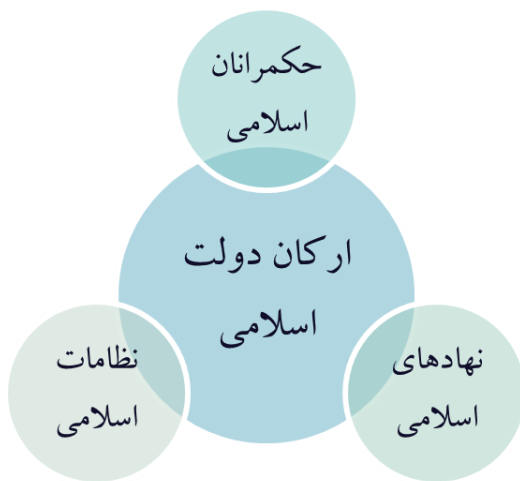
تجزیه و تحلیل

بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری در زمینه دولت اسلامی، ارکان اصلی دولت سازی اسلامی به عنوان مرحله سوم تحقق اهداف انقلاب اسلامی مبتنی بر سه بعد انسان افزار، سخت افزار و نرم افزار قرار دارد. بعد انسان افزار ناظر به حکمرانان طراز انقلاب اسلامی است که منش و کنش آنها مبتنی بر تعالیم دینی و اسلامی بوده و سبک زندگی آنان بر اساس معیارهای اسلامی ساخته شده است. در بخش های زیادی از روایت مقام معظم رهبری از دولت اسلامی، رکن کارگزاران و حکمرانان دارای اندیشه، روحیه و عمل اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی دولت سازی اسلامی معرفی شده است. معظم له برای تحقق تمام عیار حکومت اسلامی، تحقق دولت اسلامی به معنای عناصر مومن و معتقد به آرمان های انقلاب اسلامی را ضروری می داند.

بعد سخت افزار ناظر به نهادها و سازمان های شکل دهنده دولت اسلامی است که تعیین بیرونی دولت را تشکیل می دهند و آنچه از دولت اسلامی به صورت فیزیکی ظهور و بروز می کند، ناظر به این بعد است. بر این اساس، در پاره ای از بیانات مقام معظم رهبری، دولت از زاویه ساختاری مورد توجه قرار گرفته و نهادهای اسلامی به عنوان یکی از ارکان دولت اسلامی معرفی شده است. از این منظر، دولت اسلامی به مثابه یک تشکیلات مدیریتی مورد توجه قرار گرفته و ایجاد نهادهایی مبتنی بر مبانی و اصول اسلامی و تضمین کننده تحقق اهداف انقلاب اسلامی ضریب پیدا کرده است.

یکی دیگر از ابعاد اصلی دولت اسلامی در روایت مقام معظم رهبری، محتوای عمل دولتمردان اسلامی و اهدافی است که آنها دنبال می کنند. در این نگاه، علاوه بر شکل گیری نهادها و تشکیلات مدیریتی در کشور و تربیت کارگزاران و حکمرانان اسلامی، جزء دیگری تحت عنوان نظامات اجرائی حکومت نیز بایستی با معیارها و موازین اسلامی شکل گیرد. در واقع رکن سوم دولت سازی اسلامی، توجه به بعد نرم افزاری دولت و رویه ها و آئین نامه هایی است که چگونگی کنش و اهداف مورد نظر دولتمردان و نهادهای کشور را جهت دهی می کند. به عبارت دیگر مقام معظم رهبری، اسلامی بودن کارگزاران را صرفاً در زمینه اسلامی بودن رفتارهای فردی آنها ندانسته و معتقدند که رفتارهای کارگزاران اسلامی بایستی غیر از تحقق اهداف مادی، اهداف معنوی را نیز مورد توجه قرار داده و ریل گذاری حکومت در راستای سریان و جریان اندیشه

درست و اخلاق فاضله در کشور باشد. از این منظر، چه بسا حتی کارگزاران انقلابی و وفادار به آرمان های اسلامی نیز در بدنه نظام شکل بگیرد و نهادسازی های لازم برای پیشرفت جامعه هم محقق شود اما ریل گذاری ها و سیاست گذاری ها به عنوان محتوای یک نظام حکمرانی، مسیری غیر از مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پیش بگیرد و در واقع ظرفیت کارگزاران و نهادها در جهت اهداف دیگری مصروف شود.



شکل ۱: مدل مفهومی ارکان دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

بر این اساس، می توان مدل مفهومی دولت اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری را دارای سه رکن محوری شامل کارگزاران، نهادها و نظامات اداره کشور دانست. اگر عناصر سه گانه فوق را به عنوان اجزا و ارکان اصلی دولت اسلامی تلقی نماییم، کلان پروژه دولت سازی اسلامی دارای سه زیرپروژه اصلی خواهد بود و برای عبور موفق از مرحله دولت اسلامی باید زیر ساخت های اصلی آن که شامل تربیت کارگزاران طراز، تشکیل نهادهای کارآمد و طراحی نظامات اداره کشور است، در دستور کار قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی شامل پنج حلقه اصلی انقلاب، نظام سازی، دولت سازی، جامعه سازی و امت سازی است. این فرایند، جریان حرکت گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی را تبیین کرده و نمایی کلان از دستاوردها، مسائل و چشم انداز انقلاب را به تصویر می‌کشد. بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، جریان اسلامی توانسته به سلامت از مراحل انقلاب و نظام سازی عبور کرده و در پیچ تاریخی دولت سازی اسلامی قرار داشته و در صورت گذار موفق از دولت مدرن و دستیابی به دولت اسلامی، می‌تواند بسترهای ایجاد و توسعه جامعه اسلامی و امت (تمدن) اسلامی را فراهم سازد. آنچه بیش از هر چیزی دیگر برای ورود به مقوله دولت سازی اسلامی ضروری و واجب است، ایجاد یک تصویر واضح و روشن از ارکان و اجزای اصلی سازنده دولت اسلامی است. فقدان چنین تصویر روشنی از اسلامی سازی دولت، علاوه بر ایجاد پراکندگی در تعاریف، انشقاق و افتراق جدی را در عمل فراهم ساخته و هزینه‌های گزافی را به انقلاب اسلامی تحمیل می‌نماید.

بر اساس تحلیل مضمون بیانات محوری مقام معظم رهبری در زمینه فرایند انقلاب اسلامی و با تمرکز بر مقوله دولت اسلامی، مشخص گردید که مراد اصلی معظم له از مقوله دولت سازی اسلامی، انطباق ماهیت وجودی و برون داده‌های سه رکن کلیدی کارگزاران، نهادها و نظامات اداره کشور است. این سه مفهوم، بنیادهای اصلی مفهوم دولت را شکل داده و پروژه دولت سازی اسلامی را واجد سه محور انسان‌افزایی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به صورت توأمان می‌سازد. تحلیل بیانات نشان می‌دهد که هرگونه روایتی که یکی یا چند رکن از ارکان کلیدی دولت سازی اسلامی را مورد غفلت قرار دهد می‌تواند آسیب‌های جدی را در مرحله دولت سازی اسلامی فراهم ساخته و رسیدن به دولت اسلامی را در عمل با چالش‌ها و وقفه‌های جدی روبه‌رو سازد.

منابع

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲، دیدار کارگزاران نظام.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۲۱، دیدار کارگزاران نظام.
 ۳. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۹۰/۷/۲۴، دیدار دانشجویان کرمانشاه.
 ۴. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۴/۸/۲۵، خطبه های نماز جمعه.
 ۵. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۳/۸/۶، دیدار کارگزاران نظام.
 ۶. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۴/۶/۸، دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت.
 ۷. عابدی جعفری، حسن و تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
 ۸. کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، روش شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست گذاری عمومی، سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.
9. Attride, Strling, j(2007), Thematic network: an analytic tool for qualitative research, Qualitive Research1, p.p385-405.
 10. Clarke, V & Braun (2012). Thematic analysis. In H. Cooper (ed.) Handbook of research methods in psychology (pp. 57-71). Washington, DC: APA Books.
 11. HERZOG Christian and Christian HANDKE and Erik HITTERS(2019), Analyzing Talk and Text II: Thematic Analysis, The Palgrave Handbook of Methods for Media Policy Research. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
 12. Lehman, Olga v and Murakami, Kyoko and Klempe, Sven Hroar(2019), Developmenlly Oriented Thematic Analysis (DOTA): A Qualitative Research

Method to Explore Meaning-Making Processes in Cultural Psychology, Volume 20, No. 2, pp 1-21.

13. Nowell, Lorelli S. and Jill M. Norris and Deborah E. White and Nancy J. Moules(2017), Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria, International Journal of Qualitative Methods Volume 16, pp 1-13.
14. Vaismoradi, Mojtaba and Jacqueline Jones and Hannele Turunen and Sherrill Snelgrove(2016), Theme development in qualitative content analysis and thematic analysis, Jurnal of Nursing Education and Practice, Vol 6, No 5, pp 100-110.